

تحلیل جامعه‌شناختی تحرک اجتماعی بین‌نسلی در شهر کرمانشاه

بیژن زارع¹

عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی
دانشگاه خوارزمی (دانشیار)

مهوش لطفی²

کارشناس ارشد پژوهش
علوم اجتماعی

(تاریخ دریافت: مهر 92، تاریخ پذیرش: دی 92)

چکیده:

این تحقیق در پی آن است که به بررسی وضعیت عوامل اجتماعی مؤثر بر تحرک اجتماعی در شهر کرمانشاه بپردازد. در این جا منظور از تحرک، تحرک بین نسلی است که اطلاعات مربوط به آن با استفاده از روش تحقیق پیمایش از یک نمونه 300 نفری و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، از طریق پرسشنامه و با مصاحبه حضوری جمع‌آوری شده است. شاخص تحرک، متفاوت بودن رتبه منزلت شغلی فرزند در مقایسه با پدر است. براساس این شاخص، 18/7 درصد افراد پاسخگو دارای تحرک صعودی، 25/7 درصد تحرک افقی، 29/7 درصد دارای تحرک نزولی بوده و 26 درصد پاسخگویان نیز از هیچ‌گونه تحرکی برخوردار نبوده‌اند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که متغیر سرمایه فرهنگی دارای ضریب مثبت با متغیر وابسته است و اثر افزایشی بر تحرک اجتماعی داشته است، در حالی که متغیر تقدیرگرایی دارای ضریب منفی است و اثر کاهشنده بر تحرک اجتماعی بین نسلی داشته است. هم‌چنین، بر اساس نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره، در حدود 14 درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق توسط متغیرهای مستقل و زمینه‌ای تحقیق توضیح داده شده است.

واژگان کلیدی: تحرک اجتماعی، سرمایه فرهنگی، اقلیت قومی، اقلیت دینی، تقدیرگرایی و تحرک بین نسلی.

1. آدرس الکترونیکی: Dr_Bizhanzare@yahoo.com

2. آدرس الکترونیکی: Mahour89@gmail.com

مقدمه

نظام‌های قشریندی به لحاظ میزان انعطاف‌پذیری یا بالعکس، از نقطه نظر انعطاف‌ناپذیری با هم متفاوت‌اند. منظور از انعطاف‌پذیر بودن یا نبودن یک نظام قشریندی، وجود فرصت‌های زیاد یا کمی است که جامعه برای گذر از یک موقعیت به موقعیت دیگر در مقیاس اجتماعی به افراد عرضه می‌کند (تامین، 1373: 147).

مطالعه این جابه‌جایی‌ها - علت‌ها، مدل‌ها و پیامدها - موضوع مطالعه «تحرك اجتماعی»¹ است. هر چند که گاهی از اصطلاح تحرك، بهبود وضعیت استنباط می‌شود، ولی این واژه برای سه جهت ممکن هر حرکتی کاربرد دارد: از پایین به بالا، از بالا به پایین و میان دو موقعیت هم‌سطح. این سه نوع تحرك را به ترتیب تحرك عمودی²، نزولی و افقی³ می‌نامند. در واقع جامعه‌شناس از یک سو می‌کوشد به این نکته دست یابد که عوامل اجتماعی چگونه در تحرك اجتماعی افراد در گروه‌ها نقش بازی می‌کنند و از طرف دیگر، تلاش می‌کند تا تأثیرات تحرك اجتماعی و چگونگی آن را بر فرد و جامعه دریابد.

اندازه تحرك عمودی در یک جامعه، شاخص مهمی برای میزان «بازبودن» آن جامعه است، یعنی نشان می‌دهد که افراد باهوش و پُراستعدادی که در میان قشرهای پایین جامعه به دنیا می‌آیند، تا چه حد می‌توانند از نردبان اقتصادی - اجتماعی صعود کنند. در جامعه‌ای کاملاً باز، همه افراد برای رسیدن به موقعیتی که استحقاق آن را دارند، ظاهراً از فرصت‌های برابر برخوردارند. تنها عوامل محدود کننده، صلاحیت و ترجیحی است که شخص برای یک موقعیت خاص قائل است. به علاوه، صلاحیت برای شغل خاص منحصراً از مقوله صلاحیت‌های اکتسابی است؛ به یک معنا نه وضعیت افراد به هنگام تولد، نه پایگاه پدر و نه نابرابری فرصت‌های اولیه در رشد و پرورش استعدادها، هیچ کدام نمی‌توانند مانعی بر سر راه رسیدن آنها به موقعیت‌هایی باشند که افراد استحقاق آن را دارند.

بر عکس در جامعه‌ای کاملاً بسته، خشکی و انعطاف‌ناپذیری ساختار اجتماعی به حدی است که افراد، توانایی حرکت از پایگاهی را که به هنگام تولد به آنان واگذار شده است، ندارند. در چنین جامعه‌ای موقعیت‌های واگذاری به افراد تابع معیارهای خاص گرایانه است؛

1. Social Mobility
2. Vertical Mobility
3. Lateral Mobility

معیارهایی از قبیل روابط خانوادگی، دوستی‌های شخصی یا آشکال دیگری از قوم و خویش‌بازی، به نحوی که همه فرزندان، خود به خود پایگاه پدر را از طریق ارث دریافت می‌کنند. هرگونه ملاحظات مهارت و صلاحیت کارکردی یا موازین گزینشی و یا هر نوع ایده برابری فرصت‌ها و امکانات، جایی در فرآیند واگذاری پایگاه‌های گوناگون ندارد (تامین، 1373).

بیان مسئله تحقیق و اهمیت مطالعه آن

در چند دهه گذشته تغییرات اجتماعی و اقتصادی متعددی در جامعه ایران به وجود آمده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تأکید بر عدل و قسط اسلامی و اجرای سیاست‌های مساوات‌گرایانه هم‌چون دولتی کردن صنایع و نظام بانکی کشور، مصادره‌ها و ضبط اموال طبقات ثروتمند، وضع مالیات‌های تصاعدی و مالیات بر درآمد و ثروت، پرداخت یارانه‌های مصرفی، سیاست‌های تأمین مسکن و برنامه‌های مشوق افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش شدید شمار جمعیت، سیاست گسترش نظام آموزش عالی و وقوع جنگ و مهاجرت‌ها و جابجایی‌های جمعیتی (در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی) و در ادامه، سیاست‌های مربوط به کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری مجدد صنایع و برخی خدمات دولتی به بخش خصوصی و قانون و مقررات سرمایه‌گذاری تحت عنوان «سیاست‌های تعدیل اقتصادی» (در دهه دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی). این وضعیت، پیامدهایی در ساختار اجتماعی و اقتصادی داشته که مهم‌ترین آن‌ها، تغییرات در ساختار شغلی و نظام قشربندی جامعه است. شناخت دقیق تغییرات - به ویژه در باب ساختار شغلی و نظام قشربندی - به منظور جلوگیری یا تعدیل پیامدهای منفی این پدیده، در سطوح فردی و اجتماعی می‌تواند هزینه‌های مختلف تغییرات را به حداقل ممکن برساند. در این پژوهش، مسئله اصلی مقایسه منزلت شغلی پدران و فرزندان (آخرین شغل) است تا دریابیم که تا چه حد تحرک اجتماعی بین‌نسلی در کرمانشاه، به عنوان یکی از شهرهای بزرگ در غرب کشور رخ داده است. ضمن آن که این پدیده، پیامدهایی هم دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها توسط پژوهش‌گران جامعه‌شناس مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله این‌که، افرادی که تحرک نزولی دارند عموماً در ارزش‌ها و اعتقادات‌شان در مورد نظم قشربندی جامعه محافظه‌کارتر از گروه‌های اجتماعی دیگرند و اعتقادی به جامعه باز و ارزش‌ها و

هم چنین لیاقت و مهارت به عنوان عوامل ارتقای اجتماعی ندارند (ویلسنکی و ادواردز، 1949). نسبت قابل ملاحظه‌ای از زنانی که تحرک اجتماعی نزولی را تجربه کرده‌اند، در دوران کودکی از سوی والدین شان و هم چنین از طرف اجتماعی که در آن می‌زیسته‌اند، طرد شده‌اند (الیس، 1952). به علاوه تحقیقات نشان داده است که تحرک اجتماعی - خواه عمودی و خواه نزولی - همواره با تنش‌های عصبی همراه است (هالینگشود و همکار، 1954). در تحقیقی که بتلهایم و یانویتز در باب رابطه پیشداوری‌های زننده و توهین آمیز نژادپرستانه و نوع تحرک اجتماعی افراد انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در بین افراد دارای تحرک اجتماعی نزولی، این پدیده شدید و بالعکس در میان افراد دارای تحرک اجتماعی عمودی، پیشداوری‌های نژادپرستانه خیلی کم بوده است (بتلهایم و یانویتز، 1950).

بدین ترتیب، با توجه به پیامدهای تحرک اجتماعی - چه در سطح ساختارها و چه در سطح فردی - ضرورت و اهمیت مطالعه چگونگی وضعیت تحرک اجتماعی در جامعه آشکار می‌شود. اگر چه باید به این نکته نیز اشاره کرد که امکانات و تسهیلات مختلف خانواده در کنار عواملی هم چون موقعیت خانواده افراد در سلسله مراتب اجتماعی و میزان برخورداری و یا محرومیت خانواده از انواع سرمایه‌ها می‌تواند در تحرک اجتماعی صعودی، نزولی و یا افقی فرزندان، در کنار زمینه‌ها و شرایط اجتماعی اثر غیرقابل انکاری داشته باشد. بر این اساس، سؤالات زیر راهنمای انجام این پژوهش خواهد بود:

1. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جمعیت آماری مورد مطالعه چگونه است؟
2. تا چه اندازه اقلیت قومی، دینی و تقدیرگرا بودن افراد در رسیدن به مقام و موقعیت اجتماعی فعلی آن‌ها تأثیر داشته است؟
3. آیا بین سرمایه فرهنگی خانوادگی افراد با تحرک اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد؟
4. وضعیت تحرک اجتماعی بین نسلی در شهر کرمانشاه در بین نمونه مورد مطالعه چگونه است؟

اهداف مطالعه

با انجام چنین مطالعاتی، از یک سو می‌توان وضع موجود و چشم‌انداز آتی تحولات را در حوزه قشربندی و تحرک اجتماعی پیش‌بینی کرد. بدین ترتیب که شناخت لازم را برای

مشخص کردن الگوی تحرک اجتماعی بین‌نسلی و عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر آن در شهر کرمانشاه به دست آورد و از سوی دیگر، نتیجه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی کلان اجرا شده در کرمانشاه بعد از انقلاب را مشاهده کرد و سرانجام، براساس یافته‌ها، پیشنهادهایی برای اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی کلان در این شهر به طور اخص و کل کشور به طور اعم برای توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و امکانات بین آحاد جامعه و مناطق مختلف کشور ارائه نمود.

مرور ادبیات تجربی مرتبط با موضوع مطالعه

اندازه تحرک عمودی در یک جامعه، شاخص مهمی برای باز بودن¹ آن جامعه است. نخستین مطالعه در زمینه تحرک اجتماعی توسط سوروکین انجام پذیرفت. او که مطالعه مفصلی در باب تحرک اجتماعی در آمریکا انجام داده بود، به این نتیجه رسید که فرصت‌های تحرک اجتماعی صعودی سریع در این کشور به مراتب محدودتر از آن است که افسانه‌های قومی رایج نشان می‌دهند (به نقل از گیدنز، 1381: 263).

پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحرک اجتماعی در بریتانیا نیز نشان می‌دهد که تحرک اجتماعی کوتاه دامنه (مشاغل نیازمند مهارت کمتر)، در مقایسه با تحرک اجتماعی بلند دامنه (مشاغل نیازمند به مهارت و تخصص بیشتر)، عمومیت بیشتری داشته است؛ هم‌چنین تحرک اجتماعی درون‌نسلی بسیار نازل بوده است و افراد دارای تحصیلات رسمی بالا، صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی‌شان، احتمال تحرک اجتماعی بیشتری در سلسله مراتب منزلتی داشته‌اند. ضمن این‌که، سرمایه فرهنگی و اجتماعی خانواده افراد، در تحرک اجتماعی آن‌ها اثر غیرقابل انکاری داشته است؛ برای مثال فرصت‌های تحرک اجتماعی، به ویژه برای احراز مشاغل مدیریتی و یقه سفید برای فرزندان طبقه کارگر (یقه آبی‌ها) در مقایسه با طبقات بالا بیشتر فراهم شده است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگی سه طبقه از هفت طبقه سطح بالا، ثبات نسلی یا خود گماری است. این سه طبقه در بالا و پایین ساختار طبقاتی قرار داشتند: سطح خودگماری طبقه اجتماعی اول (طبقه خدماتی) 45 درصد بوده، در حالی که این سطح در مورد طبقات ششم و هفتم (طبقات کارگری)، به

1. Openness

ترتیب 30 و 35 درصد بوده است. این امر به معنی ساخت‌مندی بیشتر طبقات مذکور در مقایسه با گروه‌های دیگر است که گروه‌های انتقالی یا سیال بوده‌اند. سرانجام، این یافته حاصل شد که بین تحرک اجتماعی رو به بالا و تجربه آموزشی، پیوند وجود دارد. به عبارت دیگر، کسانی که منشأ طبقاتی بالاتری دارند (طبقات اول و دوم) از آن‌جا که منابع و فرصت‌های آموزشی (سرمایه فرهنگی) بیشتری در اختیار دارند، احتمال تحرک اجتماعی‌شان در سلسله مراتب طبقاتی، بسیار بیشتر از سایر طبقات است (گلاس و همکار، 1954؛ نافیلد به نقل از کلاتری و قائمی زاده، 1381: 80-79). اگر چه، بر اساس مدل بودون باید بر این نکته تأکید کرد که، افراد بر حسب خاستگاه اجتماعی‌شان به طور متوسط از موفقیت تحصیلی کم و بیش خوبی برخوردار می‌شوند و در همان حال، انگیزه انگیزه‌های آنها (برای موفقیت تحصیلی)، تحت تأثیر خاستگاه اجتماعی‌شان قرار می‌گیرد. هزینه‌های اقتصادی - اجتماعی دوره تحصیلی اضافی، به نسبتی که طبقه اجتماعی شخص پایین‌تر باشد افزایش می‌یابد. ضمن این که، خطر پذیری سرمایه‌گذاری برای دوره تحصیلی اضافی، بر حسب طبقه اجتماعی افراد متغیر است. اثرات فرهنگی خاستگاه اجتماعی و بخصوص تفاوت در منطق انگیزه‌ها که خاستگاه اجتماعی افراد را نشان می‌دهد، باعث نابرابری در سرمایه‌گذاری تحصیلی بر حسب خاستگاه اجتماعی می‌شود. شاید همین وضعیت باشد که ثبات نسبی تحرک اجتماعی را که در دهه‌های اخیر در کشورهای توسعه یافته مشاهده می‌شود توجیه پذیر می‌کند (بودون و بوریکو، 1385: 182-183).

در مطالعات دیگری که بعد از تحقیقات یاد شده، در بریتانیا و توسط دانشگاه آکسفورد صورت گرفت نتایج زیر به دست آمد: تحرک اجتماعی مردان برخلاف امروز، در گذشته بالاتر بوده است. محققان احتمال دادند که این وضعیت به دلیل آن نبوده است که نظام شغلی مساوات‌جویانه‌تر شده، بلکه ریشه این تغییرات در ادامه رشد شتابان مشاغل بلندپایه یقه سفید نسبت به مشاغل یقه آبی بوده است. در هر دو مطالعه که با فاصله‌ای ده ساله در این دانشگاه انجام پذیرفت، نتایج حاصل از پژوهش یکسان بود (گلدتورپ و همکاران، 1980؛ گلدتورپ و پین، 1986). اما تحقیق دیگری که به مطالعه اسکن معروف شد، ضمن تأیید نتایج مطالعات قبلی به نتایج دیگری بدین شرح رسید: محققان دریافتند که حدود

یک سوم کسانی که مشاغل بلندپایه یقه سفید یا حرفه‌ای داشتند، از خانواده‌های یقه آبی می‌آمدند. چنین یافته‌هایی دال بر انعطاف‌پذیری زیاد جامعه بریتانیایی بود. این بدین معنا بود که خیلی‌ها امکان آن را پیدا کرده بودند که در سلسله مراتب اجتماعی روبه بالا حرکت کنند - هم به لحاظ تحرک درون نسلی و هم تحرک بین نسلی - اما برای زنان چنین نبود، به گونه‌ای که بخت آنان با حضور بیش از اندازه در مشاغل یکنواخت و تکراری غیریدی بسته می‌شد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که باز شدن (جای بیشتر در بالا)، با برابری بیشتری در فرصت‌های رسیدن به آن‌جا همراه بوده است (مارشال و همکاران، 1997).

بلاو و دانکن در دهه 1960 پیش‌بینی کردند که کسانی که تحصیلات رسمی سطح بالایی داشتند احتمال تحرک‌شان در سلسله مراتب طبقاتی، صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی‌شان بسیار بیشتر از کسانی خواهد بود که از تحصیلات رسمی بالایی برخوردار نیستند. آن‌ها به ویژه بر نقش آموزش و پرورش در تسهیل تحرک اجتماعی تأکید کردند (بلاو و دانکن، 1967).

شاید بتوان گفت پُر آوازه‌ترین مطالعه بین‌المللی درباره تحرک اجتماعی، پژوهشی است که توسط لیپست و بندیکس به انجام رسیده است (لیپست و بندیکس، 1959). آن‌ها داده‌های مربوط به نه جامعه صنعتی را جمع‌آوری کردند - بریتانیا، فرانسه، آلمان غربی، سوئد، سوئیس، ژاپن، دانمارک، ایتالیا و ایالات متحده آمریکا - و توجه اصلی خود را بر روی تحرک مردان از مشاغل یقه آبی به مشاغل یقه سفید متمرکز کردند. برخلاف انتظار آن‌ها معلوم شد که هیچ‌یک از شواهد، نشان‌دهنده این نیست که ایالات متحده از جوامع اروپایی بازتر است. کل تحرک عمودی از مشاغل یقه آبی به مشاغل یقه سفید در ایالات متحده 30 درصد و در سایر جوامع چیزی بین 27 و 31 درصد بود.

در سال‌های اخیر برخلاف گذشته، به الگوهای تحرک در میان زنان توجه بیشتری صورت گرفته است؛ در زمانه‌ای که دختران در آموزش عالی بیش از پسران به موفقیت‌های تحصیلی رسیده‌اند. در این رابطه، مطالعه نسلی اخیر از سوی دفتر پژوهش‌های اقتصادی و اجتماعی در بریتانیا، تحت عنوان بیست و چند ساله‌های دهه 1990 انجام پذیرفت. در این مطالعه، زندگی 9000 بریتانیایی که همگی در یک هفته در سال

1970 به دنیا آمده بودند، دنبال شد. در آخرین پیمایشی که روی این پاسخگویان در سن بیست و شش سالگی انجام گرفت، معلوم شد که هم برای مردان و هم برای زنان، پیشینه خانوادگی و خاستگاه طبقاتی عوامل نیرومندی به حساب می‌آیند. در این مطالعه هم‌چنین مشخص شد که به طور کلی، فرصت‌های زنان امروزی بسیار بیشتر از همتایان آن‌ها در نسل قبل است. زنان طبقه متوسط بیشترین بهره را از تحولات یاد شده برده‌اند. احتمال دانشگاه رفتن آن‌ها و احتمال یافتن شغل‌های پردرآمد پس از فارغ‌التحصیلی برای این زنان، درست به اندازه همتایان مذکر آن‌ها است (گیدنز، 1386: 41-429).

در مطالعه دیگری که توسط یانیلی و پاترسون¹ (2007: 209-232) بر اساس داده‌های مربوط به پیمایش خانوار سال 2001 در اسکاتلند انجام گرفت، آنها به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات، نقش واسطی برای تحرک اجتماعی از یک پایگاه به پایگاهی دیگر ایفا می‌کند. هم‌چنین، یافته‌های آنها حاکی از آن است که والدین طبقه متوسط هم‌چنان مزایای طبقاتی خود را به فرزندان‌شان از طرق دیگری غیر از آموزش انتقال می‌دهند.

در مجموع باید به این نکته توجه کرد که اکثر جامعه‌شناسان در مطالعه تحرک اجتماعی، بر موقعیت‌های اکتسابی به ویژه نقش آموزش‌های جدید و جایگاه‌های خالی در ساختار شغلی توجه داشته‌اند (سورونسن، 1991؛ هاوسر، 1984؛ تورچ، 2005). ضمن آن آن‌ها که توسعه اقتصادی - اجتماعی رو به افزایش و فراهم شدن امکان اشتغال و فرصت‌های ارتقاء برای افراد جامعه صرف‌نظر از خاستگاه طبقاتی آن‌ها از یک سو و در پیش گرفتن سیاست‌های عادلانه‌تر در توزیع امکانات و منابع مختلف توسط دولت‌ها از سوی دیگر، بر تحرک افراد در سلسله مراتب اجتماعی تأثیرگذار بوده است. ضمن آن که، باید بر این نکته تأکید گذاشت که نابرابری‌های ناشی از موقعیت²، به همان اندازه اهمیت دارند که نابرابری‌های ناشی از ساختارها یا، به عبارت دیگر، تاریخ تولد به همان اندازه مهم است که خاستگاه طبقاتی (بودون و بوریکو، 1385: 185).

در ایران نیز تحقیقات پراکنده‌ای در زمینه تحرک اجتماعی در طول چند دهه اخیر صورت گرفته است. از جمله، تحقیق مقدس که در شهرهای شیراز و یاسوج در سال 1374

1. Cristina Iannelli & Lindsay Paterson

2. Conjecture

به انجام رسیده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در جامعه شهری ایران، تحرک شغلی رایج شده است. عامل مهم آن نیز وضع تحصیلی افراد است. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان گفت که: بین تحرک شغلی، تحصیلات فرد، تحصیلات پدر، منزلت شغل پدر و منزلت اولین شغل فرد رابطه مستقیم وجود دارد (مقدس، 1374). در تکمیل تحقیق فوق، تحقیق دیگری در برخی از شهرهای استان فارس (آباده، لار، استهبان و کازرون) و استان بوشهر (بوشهر) انجام پذیرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که در نیم قرن اخیر در جامعه شهری ایران تحرک شغلی عمیقی رخ داده که عامل اصلی آن افزایش تحصیلات و تغییر ساختار شغلی است. یافته این پژوهش حاکی از این است که، در شهرهای استان فارس هم‌چون آباده و کازرون، تحرک اجتماعی بر خلاف بوشهر بیشتر است (مقدس و ایران محبوب، 1385).

پژوهش کاظمی‌پور در تهران نیز نشان می‌دهد که: «عوامل عمده تحرک اجتماعی عبارتند از: منشاء جغرافیایی (شهر یا روستا)، سواد و تحصیلات، منزلت شغلی، سن ازدواج، پایگاه طبقاتی فرد و پدرش» (کاظمی‌پور، 1378: 139-172). کلاتری و قائمی‌زاده نیز در همدان در سال 1381، تحقیقی در باب تحرک اجتماعی و ساخت طبقاتی انجام دادند. یافته‌های این تحقیق، حاکی از آن است که در جامعه شهری همدان، میزان فرصت برای تحرک طبقاتی کمتر و محدودتر است. بنابراین طبقات اجتماعی به سوی ساخت‌یافتگی بیشتر پیش می‌روند. البته تحرک نزولی در بین طبقات بالا نیز عمومیت پیدا کرده و احتمال این امر عواملی نظیر شیوه ارث‌بری اسلامی و عدم ثبات اقتصادی است.

هم‌چنین یافته‌های دیگر این تحقیق، حاکی از آن است که سطح تحصیلات از جمله عوامل مهم در این زمینه است. تأثیر تحصیل به ویژه بر تحرک اجتماعی زنان، در مقایسه با مردان بیشتر است. هم‌چنین بین سن و تحرک شغلی همبستگی وجود دارد. البته لازم به یادآوری است که تحرک اجتماعی تا سن 45 سالگی عمومیت دارد و پس از آن ثبات پیدا می‌کند. عواملی نظیر تحصیلات و شغل پدر، تأثیر معنی‌داری بر تحرک شغلی دارند و تحصیلات و شغل مادر تأثیر معنی‌داری بر تحرک شغلی ندارند. سرانجام، دیگر یافته‌ها نشان می‌دهند که کل تحرک شغلی بین‌نسلی 72 درصد است که 51 درصد تحرک

صعودی و 21 درصد تحرک نزولی داشته‌اند. هم‌چنین از کل تحرک شغلی، 36 درصد نتیجه عوامل ساختاری است (کلانتری و قائمی‌زاده، 1385: 8-97).

خدابنده لو نیز پژوهشی با عنوان «تحرک اجتماعی بین‌نسلی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه» در سال 1372 انجام داده و به این نتیجه رسیده است که 40 درصد نمونه مورد مطالعه، تحرک صعودی و 20 درصد تحرک نزولی داشته‌اند و 40 درصد بقیه نیز فاقد هرگونه تحرکی بوده‌اند. یافته‌ها هم‌چنین نشان می‌دهند که دو عامل سواد و تحصیلات، بیشترین تأثیر و منزلت شغلی کمترین میزان تأثیر را بر تحرک صعودی داشته‌اند (خدابنده لو 1372). بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در داخل نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی - اجتماعی و به تبع آن توسعه و گسترش فرصت‌های تحصیلی به ویژه در مقطع آموزش عالی، نقشی بی‌چون و چرا در ارتقاء داشته است.

در یک جمع‌بندی کلی از تحقیقات داخل و خارج، آن‌چه که به عنوان یک یافته عام و مشترک - در کشورهای توسعه‌یافته و هم‌چنین در حال توسعه - می‌توان بدان اشاره کرد این است که: داشتن تحرک اجتماعی، متأثر از زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی افراد است؛ هر چند با وجود تلاش این کشورها در جهت برابری فرصت‌ها، هنوز هم شانس افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در استفاده از فرصت‌ها و امکانات برابر نیست. نکته دیگر این که، در این پژوهش‌های انجام‌شده متغیر خاستگاه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر شغل و تحصیلات والدین و درآمد خانواده، حضوری همیشگی داشته و اکثر پژوهش‌ها نیز نشان‌دهنده تأثیر این متغیرها در تحرک اجتماعی افراد است.

چارچوب نظری

دو رویکرد غالب، در مطالعات مربوط به نابرابری اجتماعی و تحرک اجتماعی وجود دارد. یکی وجه توزیعی نابرابری و دیگری وجه رابطه‌ای نابرابری. در وجه توزیعی، جامعه به صورت سلسله مراتبی و متشکل از لایه‌ها یا قشرها نگریسته می‌شود. از این دیدگاه افراد در پیوستاری متشکل از مقوله‌های مجزا جای می‌گیرند. معیارهای متفاوتی برای قشربندی وجود دارد؛ همان‌گونه که در مرور مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج اشاره شد، در اکثر موارد پژوهشگران به تأسی از وبر از معرف‌های عینی برگرفته از رتبه اقتصادی هم‌چون درآمد، میزان تحصیلات و منزلت شغلی استفاده می‌کنند. در این دیدگاه شغل،

مهم‌ترین معرف رتبه کلی قشربندی اجتماعی است. این ادعا تا اندازه‌ای بر این اساس است که شغل با متغیرهایی هم‌چون درآمد و میزان تحصیلات که اساس رتبه‌بندی‌های دیگر را تشکیل می‌دهد، همبستگی دارد. در رویکرد رابطه‌ای، تحلیل‌گران به پیامدهای رابطه‌ای نابرابری توجه دارند که شامل استثمار و تسلط یک گروه بر گروه دیگر و تأثیر این روابط بر ساختار اجتماعی یا تغییرات اجتماعی است. در این دیدگاه، روابط کنترل و فرمانبرداری در کنش متقابل میان افراد و گروه‌ها منجر به پیدایش نابرابری می‌شود. در این باره مفهوم قدرت مطرح می‌شود؛ در واقع قدرت هنگامی نمایان می‌شود که عده‌ای به دلخواه، قادر به کنترل شرایط اجتماعی باشند بدون آن که اهمیتی برای نظرات موافق و مخالف قائل شوند، زیرا چنین کنترلی به طور معمول تأثیری مستقیم بر ایجاد و تقویت حقوق، فرصت‌ها و امتیازات نابرابر میان مردم دارد (گرب، 1373: 14 و 132).

بدین ترتیب می‌توان گفت که در رویکرد توزیعی، تحرک شغلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان آمریکایی بیشتر از این جنبه به مطالعه تحرک پرداخته‌اند. اما در رویکرد رابطه‌ای، تحرک طبقاتی مورد نظر است و جامعه‌شناسان اروپایی عمدتاً به بررسی رابطه تحرک و طبقه اجتماعی علاقه نشان داده‌اند (کلاتری و قائمی زاده، 1385: 78). مارکس و دورکیم از پُرآوازه‌ترین نظریه‌پردازان تغییرات مرتبط با تفکیک اجتماعی‌اند. مارکس بر تضاد طبقاتی که حاصل دسترسی به نیروی تولیدی جامعه است و موتور حرکتی تغییرات تاریخی به حساب می‌آید تأکید داشت (مارکس، 1357). در حالی که دورکیم بر تفکیک مشاغل و پیامد آن بر همبستگی اجتماعی نظر داشت (دورکیم، 1357). شاید این ماکس وبر بود که راه جدیدتری برای طبقات اجتماعی گشود و قائل به تمایز بین طبقه، پایگاه و حزب سیاسی شد. از نظر وی، طبقه براساس موقعیت اقتصادی تعریف می‌شود. به نظر او موقعیت طبقاتی در آخرین بررسی یک موقعیت بازاری است. او با وجود تأکیدی که بر تصاحب دارایی به شکل سرمایه داشت - به عنوان عامل اصلی تعیین‌کننده شانس زندگی - پذیرفت که مردم برحسب احترام اجتماعی و منزلت (شیوه زندگی) نیز متمایز می‌شوند (وبر، 1978). به طور کلی در مورد مارکس می‌توان گفت که او توجه کمتری به تحرک اجتماعی داشت، و تنها نوع تحرک به رسمیت شناخته‌شده از نظر او تحرک جمعی یا ساختاری بود. در حالی که از نظر دورکیم تحرک اجتماعی، حاصل

تقسیم کار جدید اجتماعی است و آن هم در یک فرایند ممتد تراکم اخلاقی و جمعیتی امکان پذیر است. بدین ترتیب باید گفت که تحرک اجتماعی در جامعه‌ای که ساختار طبقاتی شکل کامل خود را باز نیافته است، بخصوص در شرایط بعد از انقلاب‌ها عمومیت بیشتری دارد (سوروکین، 1959).

در یک ساختار اجتماعی متصلب که تحرک اجتماعی کمتری وجود دارد، افراد طبقه بالا به واسطه روابط و شبکه‌هایی که در اختیار دارند، مشخصاً از منابع فرهنگی بیشتر و بهتری برخوردارند (بورديو، 1380) و این منابع و سرمایه فرهنگی به عنوان دانش، کالاها و تجربه‌های فرهنگی، می‌توانند پلی ارتباطی به گروه‌های اجتماعی‌ای باشند که قدرت و امتیازات اجتماعی را برای فرد فراهم می‌آورند؛ بر این اساس دانش فرهنگی برای کسانی که آن را دارا نیستند و یا با فرم‌های نادرستی از سرمایه فرهنگی سروکار دارند، به عنوان یک مانع پنهان در فرایند تحرک اجتماعی عمل می‌کند (نون، 2007).

از سوی دیگر، می‌توان به اثر تقدیرگرا بودن افراد بر تحرک اجتماعی آنان اشاره کرد. به نظر جامعه‌شناسانی هم‌چون دورکیم و اشتراوس، تقدیرگرایی مترادف اعتقاد به منشاء ماوراءالطبیعی که قدرتی لایزال و حاکمیتی مطلق بر سرنوشت انسان دارد است. ضمن آن که آن‌ها اعتقاد به عدم توانایی انسان را نیز جزء ذاتی تقدیرگرایی به حساب آورده‌اند (از کیا، 1364: 9). افراد تقدیرگرا می‌پندارند که سرنوشت آن‌ها از قبل برایشان مقرر شده است و قابل تغییر نیست و موفقیت بسته به عواملی است که کنترل آن از اختیار فرد خارج است؛ از این روی موقعیت موجود خود را می‌پذیرند، به جای آن که تلاشی برای بهبود آن به عمل آورند (بودون، 1370: 216). در نتیجه، وضع موجود خود را در سلسله مراتب اجتماعی، یک وضعیت محتوم و گریزناپذیر در نظر می‌گیرند و هیچ گونه تلاشی در جهت تغییر آن انجام نمی‌دهند.

هم‌چنین در رابطه با نقش تقدیرگرایی در آرزوهای تحصیلی افراد، می‌توان گفت که توقعات آموزشی و موفقیت تحصیلی هر فرد ناشی از نقشی است که او برای خود انتظار داشته و دارد. اگر افراد معتقد باشند که شغل پدران آن‌ها در پایین‌ترین رتبه مشاغل قرار دارد، این مسئله پیامدهای تحصیلی آنان را محدود می‌کند؛ از این رو ورود به بازار کار و موفقیت شغلی آنان نیز از دست می‌رود. کلمن با مطالعه در مورد برابری فرصت‌های

آموزشی پی‌برد که کودکان سیاه‌پوست در آمریکا بیشتر از کودکان سفیدپوست، موفقیت را ناشی از سرنوشت و تقدیر می‌دانند تا تلاش و کوشش خودشان. وی ارتباط نیرومندی بین اعتقاد به تقدیر و پیشرفت تحصیلی به دست آورد و به این نتیجه رسید که کسانی که بیشتر به کار و تلاش باور دارند تا تقدیر و سرنوشت، موفقیت‌های تحصیلی بیشتری به دست می‌آورند (کلمن، 1998 و 1990؛ بال، 1373: 62). این موفقیت‌های تحصیلی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده امکان تحرک اجتماعی و کسب دستاوردهای شغلی است، در حالی که تحصیلات کمتر افراد آنان را وادار به محدود شدن در مشاغل پست و سطح پایین می‌سازد (کارنوی و دیگران، 1367: 252).

در ارتباط با نقش قومیت و مذهب در تحرک اجتماعی افراد باید گفت، نابرابری‌های قومی و مذهبی با نظام قشربندی در هم تنیده شده‌اند. از آنجا که منابع ارزشمند و کمیاب جامعه از جمله منابع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه در جوامع کمتر توسعه یافته، محدود است لذا گروه‌های اکثریت قومی و مذهبی به انحصار این منابع در دست خود می‌پردازند و انواعی از تعصب و تبعیض را در حق دیگر گروه‌ها روا می‌دارند. البته منظور از یک گروه اقلیت قومی و مذهبی آن دسته از افراد جامعه است که دارای باورها، رفتارها، ارزش‌ها و هنجارها و سازمان‌های متفاوتی در مقایسه با اکثریت جمعیت هستند، به گونه‌ای که این امر به آنها اجازه می‌دهد تا آن گروه‌ها را مورد انواع تعصب و تبعیض قرار دهند (ترنر و آگوایر، 1994).

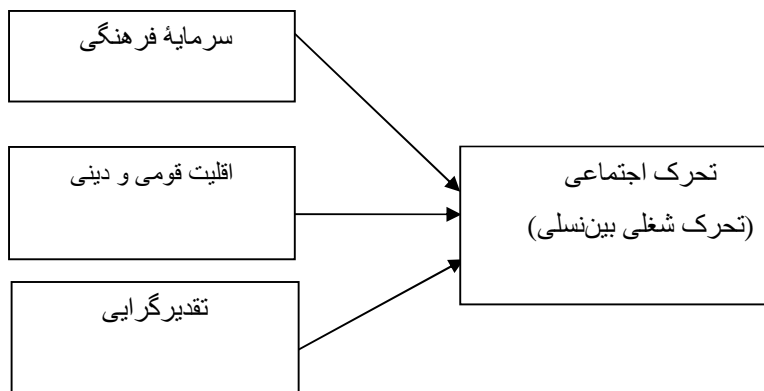
تعصب¹، عبارت است از باورهایی دربارهٔ اعضای یک گروه قومی و مذهبی که تصور می‌شود دارای ویژگی‌ها و خصوصیات نامطلوبی هستند (آلپورت، 1979). تبعیض²، عبارت است از رفتار متفاوت نسبت به دیگران به دلیل وابستگی قومی و مذهبی آنان و به خصوص برای انکار حقوق اعضای یک گروه اقلیت قومی و مذهبی در دستیابی برابر به منابع ارزشمند هم‌چون: ثروت، مسکن، مشاغل، تحصیلات، قدرت، حیثیت و شهرت (ترنر، 1378: 236).

1. Prejudices

2. Discrimination

بدین ترتیب، به عنوان مثال می‌توان به نظر وبر به گروه‌هایی اشاره کرد که در جامعه هند زندگی می‌کنند. گروه‌های پاریا که از اعتبار اجتماعی پایینی در جامعه هند برخوردارند. این گروه‌ها هم‌چون اقلیت‌های مذهبی و قومی در معرض تبعیض‌هایی قرار دارند که آنان را از بهره‌جستن از فرصت‌هایی که در مقابل اکثر گروه‌های دیگر گشوده است، باز می‌دارد (به نقل از گیدنز، 1381: 265). هم‌چنین نظریه‌پردازان کارکردگرا مانند دیویس و مور عنوان می‌کنند که در یک جامعه مذهبی که انسجام جامعه معطوف به ارزش‌های غایی و مذهبی است، افرادی که در موقعیت ارائه و تقویت و برخوردار از چنین ارزش‌هایی هستند از پاداش بیشتری برخوردار می‌شوند که این مسئله به نوبه خود، قدرت و احترام را نیز در بر می‌گیرد.

همان‌گونه که در سطور پیشین مطرح شد، نظریات یادشده بر اهمیت عواملی هم‌چون سرمایه فرهنگی، اقلیت قومی و دینی بودن و تقدیرگرایی تأکید می‌کنند. هم‌چنین مطالعات انجام شده خارجی و داخلی نیز در مجموع بر این ادعاهای نظری صحه می‌گذارند. توجه به این نکات موجب می‌شود که مدل بر گرفته از چارچوب نظری، پشتیبان پژوهش استخراج شده است و چگونگی رابطه متغیرهای مستقل و وابسته را به صورت ذیل نشان می‌دهد.



با توجه به مدل تحقیق و روابط بین متغیرهای تحقیق در آن، می‌توان فرضیات ذیل را مطرح کرد:

فرضیه‌ها

- 1) اگر سرمایه فرهنگی خانوادگی فرد بالا باشد، میزان تحرک اجتماعی وی بیشتر خواهد بود.
- 2) اگر فرد تقدیرگرا باشد، میزان تحرک اجتماعی وی کمتر خواهد بود.
- 3) اگر فرد جزء اقلیت‌های قومی و مذهبی باشد، میزان تحرک اجتماعی وی کمتر خواهد بود.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق پیمایشی است. جمعیت آماری آن را مردان شاغل 20 تا 50 ساله که در زمان تحقیق ساکن شهر کرمانشاه بوده‌اند، تشکیل می‌دهند. دلیل انتخاب شهر کرمانشاه از یک سو دل‌بستگی و تعلق خاطر محقق بود و از سوی دیگر، این شهر از جمله مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای غرب کشور است. اطلاعات تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه هم در مورد پدر و مادر و هم فرزند، از طریق مصاحبه حضوری از فرزندان پرسیده شده است. حجم نمونه، با توجه به جمعیت مردان شاغل 20 تا 50 ساله شهر کرمانشاه یعنی 126014 نفر و براساس فرمول نمونه‌گیری تعدیل شده کوکران¹ 281 نفر تعیین شد، اما با توجه به لزوم بالا بردن ضریب اطمینان 300 پرسش‌نامه تکمیل گردید. در مرحله بعد، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و براساس اطلاعات اخذ شده از شهرداری کرمانشاه، شهر به 3 منطقه بالا، متوسط و پایین تقسیم گردید و از هر منطقه 100

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

1. برای محاسبه حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شده است.

در این فرمول: حجم نمونه $n =$ حجم جمعیت آماری $N = 126014$ ، t با ضریب اطمینان 0/95 در محدوده اطمینان مورد قبول 1/96 تعیین شد. d یعنی دقت احتمالی مطلوب که برای تحقیق حاضر 0/06 در نظر گرفته است. در نتیجه نمونه به دست آمده 281 نفر در نظر گرفته شد که برای افزایش اطمینان بیشتر، تعداد نمونه به 300 نفر ارتقاء داده شد.

نفر انتخاب شدند.¹ بدین ترتیب باید گفت واحد مشاهده و واحد تحلیل در این تحقیق، فرد و سطح تحلیل نیز خرد است. برای انجام آزمون‌های آماری مورد نیاز تحقیق - با توجه به سطوح مختلف اندازه‌گیری متغیرها - از روش‌های آماری مناسب هر سطح اندازه‌گیری استفاده شده است. برای افزایش روایی و پایایی پرسش‌نامه، هم از اعتبار صوری و هم از اعتبار سازه‌ای استفاده شده است. ضمن این که، برای تعیین و افزایش تناسب درونی پرسش‌های سازه‌های چند گویه‌ای، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقادیر بدست آمده حاکی از مطلوب بودن این امر است. این مقادیر در ادامه گزارش شده است.

تعریف نظری و عملی متغیرها

تحرك اجتماعی: به جابه‌جایی یا ایجاد فرصت‌هایی برای جابه‌جایی افراد میان طبقات اجتماعی مختلف یا گروه‌های شغلی گفته می‌شود (نون، 2007). به علاوه تحرك بین‌نسلی نوعی تحرك اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد (کوئن، 1381: 262). در این تحقیق، شغل به عنوان ملاک اصلی تحرك اجتماعی در نظر گرفته شده است، زیرا از یک سو کسب اطلاعات دقیق مرتبط با شغل افراد امکان‌پذیرتر است و از سوی دیگر، شغل معرف درآمد، سبک زندگی، منزلت اجتماعی و میزان تحصیلات افراد است. ضمن این که شغل می‌تواند به عنوان بهترین ملاک سنجش طبقه‌ای نیز به کار رود (ادیبی، 1354: 240).

در این تحقیق برای سنجش تحرك اجتماعی بین‌نسلی، در عمل تحرك شغلی به عنوان ملاک اصلی در نظر گرفته شده و تحرك شغلی نیز معادل تفاضل منزلت شغلی فرزندان با پدران‌شان در نظر گرفته شده است. اگر حاصل تفاوت، مثبت و بیش از 20 درجه باشد،

1. در هر منطقه، محله‌ها مشخص و سپس به صورت تصادفی از بین آن‌ها محلاتی بدین ترتیب انتخاب شدند: از منطقه بالا (محله‌های کسری، گلستان و بهار) از منطقه متوسط (محله‌های فرهنگیان فازیک، الهیه و شریعتی) و از منطقه پایین (محله‌های کیانشهر، آبادانی و مسکن و معلم). در مرحله بعد با مشخص کردن بلوک‌ها در محلات، از بین بلوک‌های هر محله دو بلوک به طور تصادفی انتخاب و پس از آن با مراجعه به درب منازل مرتبط با نمونه در هر بلوک در محلات یادشده، پرسش‌نامه‌ها تکمیل شدند.

تحرک صعودی و اگر تفاوت مثبت و بین 2 تا 19 درجه باشد، تحرک از نوع افقی و چنانچه بین 2- تا 2+، بدون تحرک و بین 2- و پایین‌تر، تحرک نزولی قلمداد می‌شود (مقدس، 1374: 185).

منزلت شغلی: در این پژوهش، مهم‌ترین مسئله یافتن یا تهیه فهرست مشاغل رتبه‌بندی شده بر اساس منزلت اجتماعی بود. در ابتدا قصد بر این بود که در کنار انجام تحقیق حاضر، تحقیق دیگری نیز با هدف رتبه‌بندی مشاغل بر مبنای منزلت اجتماعی انجام شود تا بر اساس یافته‌های این تحقیق، شغل پاسخگویان کدگذاری و رتبه‌بندی شود؛ ولی به دلیل محدودیت‌های مختلف انجام چنین تحقیقی برای نگارنده میسر نبود. بنابراین قرار بر این شد از یکی از فهرست‌های رتبه‌بندی مشاغل که امکان دسترسی به آن‌ها وجود دارد استفاده کرده و رتبه‌بندی مشاغل را انجام دهیم. به این دلیل از فهرست رتبه‌بندی مشاغل نائبی (1381) و کاظمی پور (1374) استفاده شد.

سرمایه فرهنگی: به اعتقاد بوردیو «سرمایه فرهنگی در برگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند.» از نظر او سرمایه فرهنگی به سه شکل سرمایه فرهنگی محاط‌شده، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده وجود دارد. سرمایه فرهنگی محاط‌شده توانایی بالقوه‌ای است که به تدریج بخشی از وجود فرد شده و در او تثبیت گردیده است. سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته همان کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب، نقاشی و آثار هنری است و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده نیز عبارت است از صلاحیت‌های تحصیلی که در قالب مدارک و مدارج تحصیلی، نمود عینی پیدا می‌کند.

برای اندازه‌گیری متغیر سرمایه فرهنگی، این متغیر به تبعیت از مباحث نظری که توسط بوردیو مطرح شد به سه مقوله سرمایه فرهنگی محاط‌شده، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده تقسیم‌بندی شده است. شاخص‌ها و معرف‌های سرمایه فرهنگی و گویه‌های آن با توجه به ساختار فرهنگی شهر کرمانشاه ساخته شده است.

جدول شماره ۱: تعریف نظری، عملی و میزان آلفای کرونباخ متغیر سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی محاط شده	<ul style="list-style-type: none"> • علاقه به هنرهای تجسمی • علاقه به یادگیری زبان‌های خارجی • مطالعه انواع کتب و مجلات • شرکت در کلاس‌های هنری، آموزشی ... • استفاده از اینترنت • استفاده از کتابخانه‌های عمومی • آشنایی با چهره‌های فرهنگی، ادبی و بازدید از مکان‌های تاریخی شهر خود • شرکت در کنسرت‌های موسیقی • نواختن ساز و گوش دادن به موسیقی 	.78
	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	<ul style="list-style-type: none"> • تعداد کتاب‌های غیردرسی و مجلات علمی، هنری، ورزشی • تعداد سی‌دی، فیلم و نوار کاست • داشتن دوربین عکاسی، دوربین فیلم‌برداری، موبایل، آلات موسیقی و کامپیوتر 	.74
	سرمایه فرهنگی نهادینه شده	<ul style="list-style-type: none"> • داشتن مدارک دانشگاهی • داشتن مدرک در یکی از رشته‌های هنری (موسیقی، سینما و غیره) • داشتن مدرک فنی (کامپیوتر، آرایشگری، ...) 	.76

تقدیرگرایی^۱: تقدیر به این معناست که تمام حوادث و پدیده‌های این عالم و از آن جمله اعمال آدمی که در این جهان واقع می‌شود، از علم کلی الهی گذشته و آنچه را که بر سر

1. Fatalism

عالم و آدم خواهد آمد در کتاب مبین و لوح محفوظ نوشته شده است (قربانی، 1361: 57). بر این اساس تقدیرگرایی عبارت است از پذیرش بی‌چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آن‌ها که منبعث از اندیشه‌ای است که این وقایع را خارج از حیطه تسلط انسان می‌داند (ساروخانی، 1375: 280).

به این ترتیب تقدیرگرایی، اعتقاد به سرنوشتی از پیش محتوم و قطعی و باور به تعیین آن توسط نیرویی ماوراءالطبیعی و قبول عدم امکان دخالت در تغییر آن است. این مفهوم در مقابل اراده‌گرایی قرار می‌گیرد که در آن، فرد بر نقش خرد و عمل خود برای تغییر زندگی‌اش تأکید دارد. برای شاخص تقدیرگرایی، چهار بُعد در نظر گرفته شده که از کار تحقیقی محسنی الهام گرفته شده است و شامل قضا و قدر، سرنوشت، روزی و قسمت و شانس و اقبال است (محسنی، 1379).

جدول شماره 2: تعریف نظری، عملی و میزان آلفای کرونباخ تقدیرگرایی و ابعاد آن

متغیر	ابعاد	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
تقدیرگرایی	قضا و قدر	<ul style="list-style-type: none"> • قضا و قدر در زندگی فرد مؤثر است. • اگر تقدیر نباشد با تلاش و کوشش نمی‌توان به موفقیت‌های بالاتر رسید. • من فکر می‌کنم هر کس می‌تواند با تلاش خود به آنچه می‌خواهد برسد. 	. / 80
	سرنوشت	<ul style="list-style-type: none"> • سرنوشت و تقدیر را با آینده‌نگری می‌توان تغییر داد. • تغییر سرنوشت، امری غیرممکن است • سرنوشت هر کس از همان اول روی پیشانی‌اش نوشته شده است. 	. / 86
	روزی و قسمت	<ul style="list-style-type: none"> • روزی هر کس به قدر قسمت اوست. • رزق و روزی آدم‌ها از قبل تعیین شده است و تلاش و زحمت ما آن را اضافه نمی‌کند. • هر آن کس که دندان دهد، نان دهد. 	. / 81
	شانس و اقبال	<ul style="list-style-type: none"> • بعضی‌ها شانس و اتفاقی به جایی می‌رسند. • شانس و اقبال در زندگی فرد مؤثر است. • برای موفقیت در کارها شانس مهم‌تر از خواست و اراده آدم است. 	. / 85

		• بعضی آدم‌ها از همان اول زندگی بخت و اقبال‌شان سیاه بوده است.		
--	--	--	--	--

قومیت 1: آن دسته از خصوصیات رفتاری، فرهنگی و سازمانی که خرده جمعیت‌های یک جامعه را متمایز می‌کند (ترنر، 1378: 258). در اینجا منظور یکی از اقوام ایرانی فارس، کرد، لر، ترک و... است.

دین: عبارت است از شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و جهان هستی در جهت قرب به خدا و التزام و عمل به وظایف دینی (خدایاری فرد، 1385: 13). در اینجا منظور از مذهب شیعه، اهل سنت و اهل حق است.

یافته‌های تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و تبیینی ارائه می‌شود.

الف: بخش توصیفی

جدول شماره 3: توزیع فراوانی سن، وضعیت تأهل، تحصیلات فرد، پدر و مادر، درآمد خانواده، قومیت و مذهب

درصد معتبر	طبقات	متغیرهای زمینه‌ای	درصد معتبر	طبقات	متغیرهای زمینه‌ای
37/2	مجرد	وضعیت تأهل پاسخگویان	36/1	20-30	سن پاسخگویان
58	متاهل		32/6	30-40	
4/8	مطلقه		31/3	40-50	
100	مجموع		100	مجموع	
42/8	پایین	میزان تحصیلات پاسخگویان	51	کمتر از 400 هزار تومان (پایین)	درآمد افراد پاسخگو
27/9	متوسط		28	400 تا 800 هزار تومان (متوسط)	
29/3	بالا		21	بیش از 800 هزار تومان (بالا)	
100	مجموع		100	مجموع	
79/2	کمتر از 400 هزار تومان (پایین)		58/7	پایین	تحصیلات

1. Ethnicity

19/8	400 تا 800 هزار تومان (متوسط)	درآمد پدر پاسخگویان ²	23/2	متوسط	والدین ¹
1	بیش از 800 هزار تومان (بالا)		18/1	بالا	
100	مجموع		100	مجموع	
37/4	بالا	گروه‌های شغلی پاسخگویان	14/4	بالا	گروه‌های شغلی پدران
30	متوسط		32/4	متوسط	
32/6	پایین		53/2	پایین	
100	مجموع		100	مجموع	
52/4	شیعه	مذهب	32/7	فارس	قومیت
17/4	سنی		48/3	کرد	
29/2	اهل حق		16	لر	
1	زرتشتی		3/1	ترک	
100	کل		100	کل	

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میانگین سنی پاسخگویان 35 سال بوده است و بیشترین پاسخگویان 50 سال داشته‌اند. 58 درصد پاسخگویان متأهل، 4/8 درصد مطلقه و مابقی مجرد هستند. بیشترین میزان تحصیلات به افراد دارای تحصیلات پایین (بی‌سواد، کم‌سواد و سیکل) یعنی حدود 42/8 درصد، 27/9 درصد تحصیلات متوسط (دیپلم و فوق دیپلم) و 29/3 درصد تحصیلات بالا (لیسانس به بالا) تعلق دارند. 60/8 درصد پاسخگویان در خانواده‌های دارای بُعد متوسط خانوار زندگی می‌کنند. لازم به اشاره است یافته‌های جدول

1. شاخص تحصیلات والدین از ترکیب و دسته‌بندی تحصیلات پدر و مادر پاسخگویان بدست آمده است. هر یک از دو متغیر یاد شده در ابتدا به ترتیب در پنج طبقه بی‌سواد کد 1، ابتدایی و سیکل کد 2، دیپلم کد 3، فوق دیپلم و لیسانس کد 4، فوق لیسانس و دکتری کد 5، دسته‌بندی و با هم ترکیب و امتیازات به دست آمده بر 2 تقسیم و در نهایت شاخص تحصیلات والدین به 3 گروه پایین (بی‌سواد، ابتدایی و سیکل)، متوسط (دیپلم و فوق دیپلم) و بالا (لیسانس، فوق لیسانس و دکتری) تقسیم‌بندی شده‌اند. لازم به ذکر است که با توجه به ملاک مدرک تحصیلی، امتیازاتی که به صورت 13/5 یا 2/5 و مواردی از این قبیل بدست آمد را در مدرک تحصیلی پایین‌تر جای داده‌ایم.

2. با توجه به اینکه شغل 88 درصد مادران خانه‌دار بوده است، در نتیجه اکثریت غریب به اتفاق آن‌ها فاقد درآمد بوده‌اند. بنابراین داده‌های مربوط به درآمد و شغل مادران گزارش نشده و تنها از داده‌های مربوط به درآمد و شغل پاسخگویان و پدران آن‌ها استفاده شده است.

حاکمی از آن است که 51 درصد دارای درآمد پایین و 21 درصد دارای درآمد بالا می‌باشند و بقیه از درآمد متوسط بین 400 تا 800 هزار تومان برخوردارند. هم‌چنین درآمد 79/2 درصد پدران پاسخگویان پایین بوده است و تنها یک درصد از آنان دارای درآمد بالا بوده‌اند. والدین 58/7 درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات پایین، 23/2 درصد دارای تحصیلات متوسط و 18/1 درصد دارای تحصیلات بالا بوده‌اند؛ در واقع بیشترین فراوانی مربوط به سطح تحصیلات پایین بوده است. مقایسه وضعیت تحصیلات والدین و فرزندان حاکی از بهبود مدارک و میزان تحصیلات متوسط به بالای فرزندان است. در انتها باید گفت که 48/3 درصد پاسخگویان دارای قومیت کرد و 52/4 درصد شیعه مذهب بودند و هم‌چنین کمترین تعداد پاسخگویان 3/1 درصد و 1 درصد مربوط به قومیت ترک و مذهب زرتشتی بوده است.

جدول شماره 4: توزیع فراوانی متغیرهای مستقل و وابسته

معرفها	طبقات	درصد	معرفها	طبقات	درصد
قضا و قدر	پایین	10	سرمايه فرهنگی محاط شده	پایین	46/3
	متوسط	53		متوسط	44
	بالا	37		بالا	9/7
	مجموع	100		مجموع	100
شانس و اقبال	پایین	16/3	سرمايه فرهنگی عینیت یافته	بدون سرمایه نهاده شده	1
	متوسط	58		پایین	32/7
	بالا	25/7		متوسط	39/3
	مجموع	100		بالا	28
سرنوشت	پایین	23	سرمايه فرهنگی نهاده شده	پایین	74/3
	متوسط	31		متوسط	16/3
	بالا	46/0		بالا	8/3
	مجموع	100		مجموع	100
روزی و قسمت	پایین	29/7	سرمايه فرهنگی	پایین	55/3
	متوسط	42/7		متوسط	34/7
	بالا	27/7		بالا	10
	مجموع	100		مجموع	100

18/7	تحرک صعودی	تحرک اجتماعی	34/7	پایین	تقدیرگرایی
25/6	تحرک افقی		41	متوسط	
26	بدون تحرک		24/3	بالا	
29/7	تحرک نزولی		100	مجموع	
100	مجموع				

ارقام جدول بالا بیانگر آن است که بین ابعاد تشکیل دهنده تقدیرگرایی، بیشترین اعتقاد مربوط به سرنوشت و کمترین اعتقاد مربوط به شانس و اقبال است. با توجه به شاخص تقدیرگرایی، بیشترین میزان اعتقاد به تقدیرگرایی 24/3 درصد است و 41 درصد از پاسخگویان به میزانی متوسط به تقدیر اعتقاد دارند.

بر اساس داده‌های جدول فوق، می‌توان گفت که بیشترین میزان سرمایه فرهنگی پاسخگویان از نوع عینیت یافته - همان کالاهای فرهنگی نظیر کامپیوتر، کتاب‌های غیر درسی، آلات موسیقی - است و کمترین میزان سرمایه فرهنگی از نوع نهادینه شده - داشتن مدرک دانشگاهی، هنری و فنی - است. هم‌چنین میزان سرمایه فرهنگی اکثر پاسخگویان (55/3 درصد) کم بوده است.

لازم به ذکر است که با توجه به مطالعه مقدس (1374) جهت تعیین میزان تحرک افراد نمونه، از اختلاف منزلت شغلی پدر و پسر (پاسخگو) استفاده شده است. بر این اساس بیشترین میزان تحرک اجتماعی به گروه دارای تحرک نزولی، پس از آن به گروه بدون تحرک و در وهله بعد به گروه دارای تحرک افقی و سرانجام کمترین درصد به گروه دارای تحرک صعودی تعلق داشته است. نکته قابل توجه آن است که میزان تحصیلات فرزندان در مقایسه با تحصیلات والدین به مراتب بیشتر است و این امر بر روی نوع شغل و درآمد و بالطبع تحرک اجتماعی آنان در مقایسه با والدین تأثیری تعیین کننده و غیرقابل انکار دارد.

ب. یافته‌های تبیینی

آزمون فرضیات

فرضیه شماره 1: اگر سرمایه فرهنگی فرد بالا باشد، پس میزان تحرک اجتماعی وی بیشتر خواهد بود.

جدول شماره 5: رگرسیون چند متغیره ابعاد سرمایه فرهنگی روی تحرک اجتماعی

Sig	B	Beta	ابعاد سرمایه فرهنگی
0/016	0/238	0/162	سرمایه فرهنگی عینیت یافته
0/016	0/212	0/157	سرمایه فرهنگی محاط شده
0/014	0/615	0/152	سرمایه فرهنگی نهادینه شده
16/254			مقدار F
0/376			چند گانه R
0/141			R ² تعدیل شده
-10/127			مقدار ثابت
0/000			Sig

داده‌های موجود در جدول شماره 5 حاکی از آن است که همه ابعاد سرمایه فرهنگی با تحرک اجتماعی رابطه معنادار دارند، ولی سرمایه فرهنگی عینیت یافته رابطه مثبت و قوی تری با تحرک اجتماعی دارد. ضریب همستگی تحرک اجتماعی با ترکیب خطی متغیرهای سرمایه فرهنگی نهادینه شده، سرمایه فرهنگی عینیت یافته، سرمایه فرهنگی محاط شده، معادل 0/376 و نسبی از واریانس کل متغیر وابسته که از طریق مشارکت نسبی متغیرهای موجود در معادله تبیین شده، معادل 0/141 است و مقدار معناداری رابطه آماری را تأیید می‌کند.

فرضیه شماره 2: اگر فرد تقدیرگرا باشد، پس میزان تحرک اجتماعی وی کمتر خواهد بود.

جدول شماره 6: جدول توافقی تحرک اجتماعی و تقدیرگرایی

کل	تقدیرگرایی			تحرک
	بالا	متوسط	پایین	
56	8	8	40	تحرک صعودی
18/7	10/4	6/8	38/1	
77	13	45	19	تحرک افقی
25/7	16/9	38/1	18/1	
78	16	34	28	بدون تحرک
26	20/8	28/8	26/7	
89	40	31	18	تحرک نزولی
29/7	51/9	26/3	17/1	

300	17	118	105	فراوانی	کل
100	100	100	100	درصد ستونی	
Kendall's tau-c = -.۲۸۸ Gamma = -.۳۹۹ Sig. = .۰۰۰					

برای نشان دادن توزیع تحرک اجتماعی در مراتب تقدیرگرایی از جدول توافقی استفاده شده است. بر اساس مقادیر آماره‌های تائو سی کندال و گاما و سطح معناداری آن‌ها در جدول فوق می‌توان گفت، میان تحرک اجتماعی و میزان اعتقاد به تقدیر رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد.

فرضیه شماره 3: اگر فرد جزء اقلیت‌های قومی و مذهبی باشد، پس میزان تحرک اجتماعی وی کمتر خواهد بود.

برای بررسی فرضیه فوق، از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتیجه تحلیل واریانس در جدول ذیل آورده شده است.

جدول شماره 7: تحلیل واریانس یک‌طرفه میانگین تحرک اجتماعی، قومیت و مذهب

Sig	F	میانگین مربعات	df	مجموع مربعات		
0/07	4/119	829/8	2	1659/6	میان گروهی	قومیت
		201/46	282	56812/76	درون گروهی	
			284	58472/36	کل	
0/000	20/53	3818/03	2	7636/06	میان گروهی	مذهب
		185/98	282	52445/29	درون گروهی	
			284	60081/35	کل	

جدول شماره 8: نتایج توصیفی تحرک اجتماعی با توجه به مذهب

حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
49/8	-31/8	15/53	10/11	151	شیعه
15/8	-19/8	8/95	-2/14	60	سنی
24/6	-23/6	12/19	1/25	84	اهل حق
49/8	-31/8	14/54	5/35	285	کل

داده‌های موجود در جدول فوق نشان می‌دهد که بین قومیت فرد و میزان تحرک اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توانیم ادعا کنیم که قومیت بر میزان تحرک اجتماعی تأثیر دارد.

با توجه به آزمون تحلیل واریانس و نتایج توصیفی، می‌بینیم که تفاوت بین سه گروه شیعه، سنی و اهل حق معنادار است. همان‌طور که می‌بینیم افراد شیعه مذهب از تحرک اجتماعی بیشتری برخوردارند و سطح معناداری، صحت رابطه آماری را تأیید می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بخش چارچوب نظری عنوان شد، از نظر وبر اقلیت‌ها در جامعه مورد تبعیض قرار می‌گیرند. آن‌ها از فرصت‌هایی که در اختیار دیگر گروه‌ها است محروم‌اند و بنابراین برای این که بتوانند از یک موقعیت به موقعیت دیگر و یا این که از یک قشر به قشر دیگر گذر کنند با محدودیت‌های بسیاری روبرو هستند (گیدنز، 1381). در این پژوهش نیز بعد از گرفتن روابط آماری بین قومیت و مذهب با تحرک اجتماعی، به این نتیجه رسیدیم که اقلیت‌های مذهبی تحرک صعودی کمتری دارند ولی در باب اقلیت‌های قومی رابطه معناداری به دست نیامد. بر اساس نظرات دورکیم و اشتراوس افراد تقدیرگرا تصور می‌کنند که موفقیت و پیشرفت، وابسته به عواملی است که از کنترل آن‌ها خارج است. به همین دلیل آن‌ها به جای این که برای بهبود موقعیت موجود خود تلاش کنند، به شکلی منفعلانه آن را می‌پذیرند، بنابراین میزان تحرک اجتماعی آن‌ها پایین است و یا این که تحرکی ندارند. در این پژوهش این مسئله تأیید و با استفاده از داده‌های آماری نشان داده شد که افراد تقدیرگرا تحرک پایینی داشتند. بورديو معتقد است سرمایه فرهنگی می‌تواند پلی ارتباطی باشد که قدرت و امتیازات اجتماعی را برای فرد فراهم می‌آورد؛ وی تحصیلات را نمودی از سرمایه فرهنگی می‌داند و مسلماً افرادی که از درجات تحصیلی و سرمایه فرهنگی بهتری برخوردارند و بهتر پرورش یافته‌اند، شغل‌های بهتری را به دست می‌آورند. این تئوری در مورد جمعیت پژوهش ما اثبات شد و نتایج آماری صحت آن را تأیید کردند. به علاوه، بر اساس یافته‌ها، بیشترین میزان تحرک اجتماعی در درجه اول به گروه دارای تحرک نزولی، از آن به گروه بدون تحرک، و در وهله بعد به گروه دارای تحرک صعودی تعلق داشته است. اگرچه، باید بر این نکته تأکید کرد که با توجه به

توسعه مراکز آموزش عالی در سطح کشور به طور اعم و شهر کرمانشاه به طور اخص، سطح تحصیلات فرزندان در مقایسه با پدران بهتر و در نتیجه، تحرک اجتماعی آنان در مشاغل بالاتر بیشتر شده است. ولی به دلیل وضعیت اقتصادی - اجتماعی نامناسب و عدم سرمایه‌گذاری کافی به تناسب رشد جمعیت بعد از انقلاب فرصت‌های اشتغال به حد کفایت ایجاد نشده است. ضمن این‌که، یافته‌های این پژوهش با نتایج حاصل از مطالعات انجام شده هم‌چون: گلاس و همکاران، 1954؛ لیپست و بندیکس، 1959؛ بلاو و دانکن، 1960؛ گلد تورپ و پین، 1986؛ هاوسر، 1984؛ سورونسن، 1991؛ مارشال و همکاران، 1997؛ لورچ، 2005؛ یانیلی و پاترسون، 2007؛ خدابنده لو، 1372؛ مقدس، 1374؛ کاظمی پور، 1378؛ مقدس و ایران محبوب، 1385؛ کلانتری و قائمی زاده، 1385 همخوانی دارد. در نتیجه، می‌توان برای حل یا تعدیل ساختار توزیع منابع، فرصت‌ها و رویه رویه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهت تحقق عدالت اجتماعی از راهکارهای مورد استفاده در کشورهای دیگر با لحاظ شرط عدم مغایرت با اصول، باورها، ارزش‌ها و فرهنگ ایرانی اسلامی استفاده نمود. در عین حال، باید با استفاده از پیشنهادات کاربردی برگرفته از چنین پژوهش‌هایی هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای به منظور اصلاح مناسب سیاست‌ها و انجام برنامه‌ریزی‌های عقلانی اقدام نمود.

منابع:

- اشرف، احمد و علی بنو عزیزی (1372) «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، ترجمه عماد افروغ، مجله راهبرد، شماره 102، 2-106.
- ادیبی، حسین (1354) جامعه شناسی طبقات اجتماعی، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- ازکیا، مصطفی (1364) مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
- بورديو، پیر (1380) نظریه کنش ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- بال، ساموئل (1373) انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه علی اصغر مسدد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- بودون، ریمون (1370) منطق اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر جاویدان.
- بودون، ریمون و بوریکو، فرانسوا (1385) فرهنگ جامعه شناسی انتقادی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- تأمین، ملوین (1373) جامعه شناسی قشربندی و نابرابری های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- ترنر، جان اتان اچ (1378) مفاهیم و کاربرد های جامعه شناسی، ترجمه محمد عزیز بختیاری و محمد فولادی، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی باقرالعلوم.
- خدابنده لو، سعید (1372) تحریک اجتماعی بین نسلی: مطالعه موردی شهر کرمانشاه، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- خدایاری فرد، محمد (1385) آماده سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری دانشجویان، طرح پژوهشی، دانشکده روان شناسی دانشگاه تهران.
- دورکیم، امیل (1357) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه حسن حبیبی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کارنوی، مارتین و هنری لوین (1367) بن بست های اصلاحات آموزشی: بحثی در اقتصاد و جامعه شناسی آموزش و پرورش، ترجمه محمد حسین امیر تیموری، تهران: نشر روز.
- کلانتری، صمد و محمد سلمان قائمی زاده (1381) «تحریک اجتماعی و ساخت طبقاتی: مطالعه موردی شهر همدان»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره 4، زمستان، 100-76.
- کاظمی پور، شهلا (1374)، تحریک اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- کاظمی پور، شهلا (1378) «الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحریک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، شماره 14، پاییز و زمستان، 139-172.
- کوئن، بروس (1381) درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

- گرب، ادوارد ج (1373) نابرابری اجتماعی، ترجمه محمدسیاهپوش و احمدرضا غروی زاد، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی (1381) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی و کارن برد سال (1386) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مارکس، کارل (1357) کاپیتال، ترجمه اسکندری، تهران: انتشارات حزب توده.
- محسنی، منوچهر (1379) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.
- مقدس، علی اصغر (1374)، ساختار شغلی و تحرک اجتماعی در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، مورد مطالعه شهرهای شیراز و یاسوج، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- مقدس، علی اصغر و جلیل ایران محبوب (1385) «تحرک طبقاتی و اجتماعی در شهرهای فارسی و بوشهر»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول شماره 1، 134-201.
- نایی، هوشنگ (1381)، قشربندی اجتماعی بر حسب پرستیژ اجتماعی، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- Allport, Gordon (1979) The Nature of Prejudice (25 Anniversary edition) Reading, M A: Addison-Wesley.
- Bettelheim, B. & Janowitz (1950) Dynamics of Prejudice, New York: Harper & Brothers.
- Blau, P. & O. Duncan (1967) The American Occupational Structure, New York: John Wiley & Sons Company.
- Coleman, James S (1988) "Social Capital in the Creation of Human Capital", American Journal of Sociology, 94(Supplement), 95-120 .
- Coleman, James S (1990) Foundations of Social Theory, Cambridge: Harvard University Press.
- Cobas, J. A. & I, Deolls (1989) "Family Ties, Co-Ethnic Bonds, and Ethnic Entrepreneurship", Sociological perspectives, 32(3), 403-412 .
- Ellis, Evelyn (1952) Upward Social Mobility Among Unmarried Career Women, American Sociological Review, 17, :553-563 .
- Glass, David (1954) Social Mobility in Britain, London: Routledge & Kegan Paul.
- Grusky, David B. & Robert M. Hauser (1984) "Comparative Social mobility revisited : models of convergence and divergence in 16 countries", American Sociological Review, 49, 19-38.

Goldthorpe , John H. etal (1980) Social Mobility and Class Structure in Modern Britain ,oxford: Clarendon Press, 2 nd end 1987.

Goldthorpe, John H. & Clive Payne(1986) "Trends in intergenerational class mobility in England and Wales 1972- 1983" , Sociology, 20,1-24.

.Holligshed, Ellis & Kirby(1954) Social Mobility and Mental Illness, A. S. R. 19.(5),577-584.

Heath, Anthony(1981) Social Mobility ,London: Fontana.

Hauser, Robel M(1984) "Vertical Class Mobility in England , France and Sweden" , Acta Sociological, Vol. 27, 87-110.

Lipset,Seymour Martin & Reinhard Bendix(1959) Social Mobility in Industrial Society,Berkeley:University of California Press.

Marshall,Gordon etal(1988) Social Class in Modern Britain, London:Hutchin son.

Nunn,Alex etal (2007)" Factors Influencing Social Mobility", DWP Research Report ,No.450,Leads:Corprate Document Services.England Metropolitan University.

Sorocin,P.(1959) Social and Cultural Mobility,New York:Free Press.

Turner, Jonathan H.,& Adalberto,Agurre,Jr(1994) American Ethnicity: The Dynamics and Consequences of Discrimination.New York:McGraw Hill.

Sorensen,A(1991)On the Usefulness of Class analysis in Res earch on Social Mobility,Acta Sociology, Vol. 34,pp 71-87.

Torch,Florencia (2005) " Perspective Social Mobility in Chilie in Comparaocialm", American Sociological Review,Vol.70,No.3

Wilensky,Harold & Hugh,Edwards(1949), The Skiddey: Ideological Adjustments of Downward Mobil Workers,American Sociological Review, 24 :2, 213-215.